

فردوسی « شاهنامه » دیباچه

به نام خداوند جان و خرد
کزین برتر اندیشه برنگذرد

خداوند نام و خداوند جای
خداوند روزی ده رهنمای

خداوند کیوان و گردان سپهر
فروزنده ی ماه و ناهید و مهر

ز نام و نشان و گمان برترست
نگارنده ی برشده گوهرست

به بینندگان آفریننده را
نبینی مرنجان دو بیننده را

نه اندیشه یابد بدو نیز راه
که او برتر از نام و از جایگاه

سخن هر چه زین گوهران بگذرد
نیابد بدو راه جان و خرد

خرد گر سخن برگزیند همی
همان را گزیند که بیند همی

ستودن نداند کس ، او را چو هست
میان بندگی را ببایدت بست

خرد را و جان را همی سنجد اوی
در اندیشه ی سخته کی گنجد اوی

بدین آلت رای و جان و زبان
ستود آفریننده را کی توان

به هستیش باید که خستو شوی
ز گفتار بیکار یکسو شوی

پرستنده باشی و جوینده راه
به ژرفی به فرمانش کردن نگاه

توانا بود هر که دانا بود
ز دانش دل پیر برنا بود

از این پرده برتر سخنگاه نیست
به هستی مر اندیشه را راه نیست